



شاید بعضی باور نکنند!

... نفوذ روحیات و افکار و شرق و روح تاریخ مردم قرون گذشته و غرب و روشن ساختن آنها را بجهان وسیعتر می‌داند کرده است...
پرفسور گیب

کشف زورگمی که اعتبار بین المللی ما را بالا برد!

اخیراً یکی از چراغ معروف پایتخت بر حسب یک پیش آمد کاملاً اتفاقی و موافق یک تف بزرگی شد که در تاریخ کشور ما کم نظیر بلکه بی نظیر بود. فی الواقع این کشف بزرگ در این موقع که هر ملت می‌کوشد برای افزودن اعتبار جهانی خود دست جهانی کند موقلتینی برای همه مردم دایران زمین و مخصوصاً گردانندگان آن دگر پدیدشرفه بود.

شرح ماجرا اینکه طبق شهره نامه و سند در سفارتستان بعضی که گردانندگان آن جریده بدست آورده‌اند و ثابت و محقق گردیده است که هنر پیشه مروج آمریکائی دیول بر اینتر و اسلا از نواده آریا و ایرانی الاصل هستند اسم کوچکشان سابقاً در نگاه و پیدایت دیگر در دولفقاره بوده پدردان و شایه نام داشته‌اند و از مسلمانان ایرانی ساکن در قفقاز و اویس عمایم دارد که گویا در حال حاضر آرایشگاهی در تهران دارد.

چنگ ایرانی دو میان زفکا و کسانش فاصله انداخته و بالاخره اوس را از آمریکا آورده مخصوصاً پسر عمه ایرانی ایشان برای اثبات صحت گذار خود و خالی سایش را که در سینه دارد و از مشخصات فاسیلی ایشان است بجز نگار جریده مزبور نشان داده و باز گفته همان جریده دخیل گزارهای جهان این کشف را بعضی انتشار در روزنامه‌ها بود بهمان معنی بر نموده‌اند.

این ماجرا و مانند آن‌ها سزنده و قابل مطالعه‌ای برای بعضی‌هاست که با شروع کرده‌ایم، ممکن است اینگونه «سفسیفات» از نظر بعضی ساده باشد ولی اگر بیست گسانی که با اسول روانشناسی و روانکاوی جدید و کمی آشنائی دارند داده شود بسیار چیزها اذ آن خواهند فهمید!

اینگونه کشفیات (اگر چه صد در صد هم چندی نباشد) باز قبل از هر چیز از یک کیفیت خاص روانی حکایت میکنند که گاهی اذ آن به «عقدۀ حقارت» تعبیر میکنند و حقارت در برابر غریب و آنچه بزرگ نیست دارد!

و اکنش این عقده که بدینجهان در احاط فکر عده زیادی از ما همچون سرطان دیشه دوانیده است اینست که می‌خواهند هر طور شده خود را بفریبها بچسبانند و این وسیله از احساس حقارتی که آنها را رنج می‌دهد رهایی یابند.

این عقده‌سارا و امیاده که برای پول بر اینتر و شجره نامه ایرانی درست کنیم همین عقده‌سارا دادار میکنند که نام بعضی‌های خود را از نامهای خارجی انتخاب نمائیم. این عقده بعضی از جوانان تحصیل کرده را اوارادار میکند زن اروپائی و آمریکائی بگیرند اگر چه از منظر نظریین طبقات آنها پادشاه و پوجود چنین زنی یک دنیا افتخار و مباحثات کنند.

و بالاخره همین عقده است که ز می‌تنبیر خطا بخط فارسی لاین و امثال آن را بوجود آورده و خلاصه در تمام شئون زندگی ما اثر گذاشته است و کمترین اثر آن همین تا بلوهای رنگارنگ با خطوط لاین است که در تن بعضی بسیاری از خنیا با ناهای ماست و همانا طور که سابقاً گفتیم این موضوع اختیاری نیست بلکه تماماً ندارد و در اغلب نقاط مشرق زمین با تفاوتهائی چشم می‌خورد.

سابقاً گفتیم باید با این طرز فکر جداً مبارزه کرد و این احساس حقارت و خود کم بینی را که وجود یابد این نقطه ضعف روانی را که ممکن است همه افتخارات و اسالت و استقلال ما را برآوردند از طریق مسیحی منالجه نمود.

باید به نسل ایرانی بضمائیم تو آفتخدا افتخارات داری که اگر فرناً ثابت شود فلان دانشمند بزرگ اروپائی اسلا ایرانی است او باید مباحثات و افتخار کند نه اینکه تو افتخار کنی که فلان هنر پیشه شجره نامه ایرانی دارد!

در حال یکی از طریقه‌ها در دهان این بسیاری روحی است که تاریخ گذشته مشرق زمین را بطور کلی و ایران را بخصوص از منای صحیح و بصورت مستند برای اسل جدید تشریح کنیم و نشان دهیم شرق چه روحی را بشود دیده و چه تمدنهای درخشانی را بوجود آورده است.

گفته‌های از دورانهائی طلای تمدن شرق دورانی بود که تمدن اسلامی بر سراسر آن سایه افکنده بود آن روز همه چیز از مشرق بغرب میرفت و تقریباً تمام اوضاع بکس امروز بود. مستغران و هنرمندان چیره دست مسلمان آثار شگفت انگیزی ابداع نمودند و این صنایع و آثار بوسیله اثر جنگهای صلیبی و دبلل دیگری بفر برام یافت و چشم اروپائیها بچیزهائی

افتاد که تا آن روز ظایر آنرا ندیده بودند .

بگفته سر توماس از نوادگان معروف هندوستان بریتانیا ، دو مسلمان استناد شده اند که در سده شانزدهم بود ، چنانکه می بینیم در قسمتهائی که موانع مذهبی در کار نبود استعدادهائی نظیر و عجبی از خود آشکار میساختند . باوریکه در قرون وسطی هیچکس بیاینها شیر سبد اسلام و ادب مستقیم صنایع قدیمی قرار نمی است که ابدادر مغرب شناخته نمیشد . . . سنت گران اسلامی دائماً ستایع خود را ترقی داده و در اقلب نقاط منتشر میساختند این هنرها تا آنروز با اروپا پیوسته بود و اگر هم در قدیم شناخته میشد در شیخه شکستها و فطارهای قرون وسطی از بین رفته بود . . .

نقوش اشعاری که مسلمانان میساختند بتدریج با مهارت و ترفندی تزییم شده که گاهی انسان گمان میکند این اشعار برای ساختمان خود روح اسرار آمیزی دارند .

عجیب و باور نکردنی !

خاورشناسان هر روز پس شرحی درباره استفاده مسلمانان از آیات قرآن در جمله های عربی در تزئین آثار خود ، سپس تقلید اروپائیها از آنان در نگار کردن جمله های مزبور در تزئین آثار خود می نویسند که مسلماً بر اجداد یا حاکمان جلالیه که خط امروز فارسی و عربی را پایه سرشکستگی خود میداشتند خیلی عجیب و باور نکردنی خوانده بود ، و می نویسد :

« مسلمانان در تزئین آثار خود از نقوش و جملات عربی ، از آیات قرآن و اشعار مناسب استفاده میکردند . . . صنعتگران اروپائی کم کم با خطوط عربی آشنا شدند و با وجود اینکه نمی توانستند آنرا بخوانند شبیه آنرا می نوشتند ، . . . »

سپس اضافه میکند : « الان در روز بریتانیا يك صلیب به برنجی طلاکاری شده ایرلندی که متعلق به قرن نهم میلادی است (تقریباً یکقرن ارسال قبل) وجود دارد که در وسط آن جمله « بسم الله » ؛ با خط کوفی نوشته شده است . پس که آنجا هم خطی بود به پادشاه « مرسیا » موجود است که کاملاً شبیه بدینار مسلمانان است (حتی نقوش آن نقوش اسلامی میباشد) سپس میگوید :

در هیچیک از این دو قسمت صنعتگران غربی تشخیص نداشتند که چه چیز را تقلید یا انتخاب می کنند و الا جمله ای که « مخصوص مسلمانان » بود بر روی « سکه سبخی » نیز زدند و آیه ای که منحصر بآئین محمد بود بر روی « صلیب » که علامت مقدس آنهاست نیز نوشتند ، (۱)

خوب ملاحظه میکنید عین این تقلیدی که امروز در « حیاط مار ائیم » ده « کلمات و سرف » (چه در ص ۴۲)

(۱) نقل از کتاب میراث اسلام صفحه ۳۳-۳۵ ، کتاب معجز بود بقلم سیزده تن از امامان

دانشگاههای انگلستان نگاشته شده .